

چرا «ارتشبد قره باغی» اعلام بیطرفی کرد؟

۲ مرداد ۱۳۹۶ ساعت ۲:۰۸

گفته میشود قره باغی از سوی بختیار دستور بمباران مراکز ارتشی را نیز دریافت میکند؛ اما در نهایت با رسیدن پیامی از سوی شورای انقلاب، متقاعد میشود که بمباران مراکز و نیز افتادن اسلحه به دست مردم، وضعیت را وخیمتر میکند و این موضوع در پایان به ضرر همه خواهد بود...

کافه تاریخ- مقالات

ارتشبد عباس قره باغی، از فرماندهان عالیرتبه نظامی در دوران رژیم پهلوی، از جمله شخصیت‌های نظامی است که در دوران فعالیت خود خدمت زیادی به رژیم شاه نمود. وی در طول حیات خود در آن دوران، توانست به سمت‌ها و عناوین مختلفی در ارتش دست یابد و مقارن با پیروزی انقلاب در روز ۲۲ بهمن ماه با اعلام بیطرفی، از یگان‌های نظامی خواست تا به پادگان‌های خود بازگردند. با این اقدام، وی بعدها از سوی برخی از عناصر شاه و از جمله خود شاه متهم به خیانت گردید. اما سوال اینجاست که ارتشبد قره باغی چه کسی بود و چه خدمت‌هایی به ارتش و نیروی نظامی رژیم شاه نمود و آیا وی با اعلام بیطرفی به شاه خیانت نمود؟ پاسخ به این سؤال و سؤالاتی از این دست موضوع این نوشته پیشرو را شکل میدهد که در ادامه به آن پرداخته میشود!

زندگینامه ارتشبد قره باغی: از کودکی تا منشیگری ولیعهد

ارتشبد عباس قره باغی در سال ۱۲۹۷ در یکی از محلات تبریز به نام یکه دکان به دنیا آمد. وی بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی خود و اخذ مدرک دیپلم، وارد دانشکده افسریه گردید. ورود او به دانشکده افسری مصادف با دوره ولیعهدی محمدرضا پهلوی و نیز قرار گرفتن در کنار کسانی چون حسین فردوست و علی قوام و انتخابش به عنوان منشی ولیعهد بود. فردوست در بخشی از خاطرات خود به موضوع انتخاب قره باغی توسط شاه اشاره کرده و مینویسد: او (قره باغی) به علت اینکه فوقالعاده خوش خط بود، در سال ۱۳۱۵ش. در دانشکده افسری، منشی مخصوص محمدرضا شد و این آشنایی را تا انقلاب حفظ کرد و محمدرضا اکثراً مشاغلی نزدیک به خود به او می‌داد. این انتصاب به تدریج مسیر زندگی قره باغی را وارد فاز جدیدی نمود و باعث شد تا با ورود به عرصه نظامی، به درجات و سمت‌های خاصی در این زمینه نائل گردد.



ورود قره باغی به عرصه نظامی

فعالیت‌های نظامی قره باغی در سال ۱۳۱۷ با اخذ درجه ستوان دومی در هنگ پیاده لشکر یکم آغاز شد. وی خیلی زود توانست در جایگاه خود پیشرفت کرده و به شاه نزدیکتر شود. پیشرفت روزافزون قره باغی باعث حسادت رقبایش گردید، به طوریکه در سال ۱۳۴۰ سرتیپ تاجبخش، رئیس ضد اطلاعات ارتش او را به جاسوسی متهم کرد. اما او با رد این اتهامات، به شاه بیشتر نزدیک شد، به طوریکه در سال ۱۳۴۱ به معاونت دانشگاه جنگ برگزیده شد. ۲ قره باغی، در سال ۱۳۴۲ به عنوان فرمانده درجه‌داران دوره سپاه دانش، انتخاب شد. در این سال، پرونده سران نهضت آزادی نیز به دادگاه تجدیدنظری که ریاست آن بر عهده قره باغی بود، فرستاده می‌شود. پرونده تهضت آزادی به موضوع انتشار بیانیه این حزب در سال ۱۳۴۱ و پیدا شدن برگه‌هایی از برخی از سران حزب در زیر سؤال بردن شخص اول مملکت برمیگشت که طی آن سران حزب طی یک دادگاه غیرعلنی محاکمه می‌شوند؛ اما با اعتراض اعضای حزب، دادگاه تجدیدنظری در این رابطه و با ریاست قره باغی و به صورت علنی تشکیل می‌شود. نکته قابل تأمل در این دادگاه نحوه مواجهه قره‌باغی با متهمان بود که ضمن تخفیف مجازات، افراد اجازه سخنرانی و دفاع از خود را نیز یافتند. این شیوه برخورد، مورد اعتراض برخی از اطرافیان شاه قرار گرفت؛ اما وی در پاسخ به اعتراضات گفت: «من مطابق سبک خودم در دادگاه با آنها عیناً مثل یک آدم عادی صحبت کردم و حتی مدتی هم اجازه دادم هرچقدر دلشون می‌خواهد، دفاع کنند.» ۳

قره‌باغی در سال ۴۳ به عنوان فرمانده لشکر پیاده گران انتخاب و در سال ۴۶ فرماندهی لشکر یکم گارد را عهده‌دار گردید. بعد از آن تا سال ۵۱ به مدت ۴ سال فرماندهی ستاد نیروی زمینی را بر عهده گرفت و از سال ۵۳ تا ۵۷ نیز ضمن دریافت درجه ارتشبدی از سوی شاه، به عنوان فرمانده کل ژاندارمری انتخاب شد. درواقع سمت فرماندهی ژاندارمری از حساسترین پست‌های قره

باغی بود که تا روزهای منتهی به انقلاب ادامه داشت. چنانچه «شاه در روزهای آخر حکومت شاهنشاهی و بعد از خروج از ایران ارتش خود را یتیم و بی سرپرست گذاشت و رفت و در تمام مدتی که در مصر و مراکش بود، هیچ گونه تماسی با قره‌باغی یا فرماندهان دیگر ارتش نگرفت و فرماندهان نیروها، پریشان و سردرگم، ارتش را به سوی فروپاشی کشاندند». ۴ در این شرایط قره باغی در غیاب شخص اول مملکت، علیرغم آنکه در ابتدا به شدت از حکومت بختیار حمایت میکرد؛ اما در نهایت با مشاهده فراگیر شدن انقلاب و اعلام همبستگی نیروی هوایی با رهبر انقلاب، اعلام بیطرفی کرده و طی پیامی که از رادیو پخش گردید از یگانهای نظامی درخواست نمود برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی بیشتر بی طرفی خود را در مناقشات سیاسی فعلی اعلام و به پادگانها مراجعه کنند. گفته میشود وی از سوی بختیار دستور بمباران مراکز ارتشی را نیز دریافت میکند؛ اما در نهایت با رسیدن پیامی از سوی شورای انقلاب، متقاعد میشود که بمباران مراکز و نیز افتادن اسلحه به دست مردم، وضعیت را وخیمتر میکند و این موضوع در پایان به ضرر همه خواهد بود. با دریافت این پیام قره‌باغی در نهایت متقاعد به اعلام بیطرفی ارتش میشود؛ هرچند از سوی شاه متهم به خیانت میگردد. در رابطه با گرایش ارتشبد قره باغی نیز برخی از اسناد منتشر شده وی را متمایل به آمریکا معرفی میکنند. این اسناد حکایت از آن دارند که قره باغی، متمایل به غرب و دوست ایالات متحده است. مشهور است که او با مشاورین آمریکائی همکاری مینماید. ۵

همچنین در این اسناد آمده است که ظاهراً شاه قره باغی را دوست دارد و به او اعتماد دارد؛ از این رو به پاس این اعتماد او را به خود نزدیک دانسته و وی را در سلسله مراتب قدرت به درجات بالا کشانده است؛ اما برخی نیز معتقدند در واقع قره‌باغی در میان فرماندهان نیروهای مختلف ارتش از نفوذ و اعتبار زیادی برخوردار نبود و به همین دلیل بود که شاه او را بر فرماندهان دیگر ارتش ترجیح داد. ۶

با این حال قره باغی بعد از اعلام بیطرفی و پیروزی انقلاب مدتی را مخفیانه در ایران سپری نمود سپس با گذرنامه جعلی از ایران خارج و در نهایت به دلیل بیماری سرطان در ۸۲ سالگی در پاریس درگذشت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۶۰۹۶/چرا-ارتشبد-قره-باغی-بیطرفی-اعلام-باغی-قره-ارتشبد-چرا>